

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Children

کودکان

فرستنده: جهانگیر محبی

۱۵ جون ۲۰۱۲

## بیانیه به مناسبت ۱۲ جون ۲۰۱۲ روز جهانی مبارزه با کار کودک

در دهمین سال روز جهانی مبارزه با کار کودک به سر می بریم نخستین بار در سال ۲۰۰۲، دوازدهم جون توسط (ILO سازمان جهانی کار) به این نام برگزیده شد. امروز در حالی به استقبال روز جهانی مبارزه با کار کودکان می رویم، که وضعیت کودکان در سطح بین المللی و داخلی دست خوش تغییرات بسیاری گشته است. گستردگی فقر، حاد شدن مسأله غذا، افزایش جنگ های داخلی، خشونت و تبعیض علیه کودکان مهاجر و اقلیت ها بیش از پیش شدت گرفته است. بر اساس آمار یونیسف (صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد) نزدیک به نیمی از کودکان دنیا تحصیل را در سنین کمتر از ۸ سال ترک می کنند. در ایران، کشوری با پیشینه ۱۵۰ ساله آموزش جدید، تاریخ صدساله تصویب قانون تعلیمات عمومی و اجباری و نیز درآمد نفتی کلان، هنوز میلیون ها نفر نمی توانند از آموزش عمومی تا سن ۱۸ سالگی برخوردار شوند و بسیاری بدون کسب مهارت خاصی کلاس درس را پیش از ۱۸ سالگی ترک می کنند. رسانه های ایران در حالی از عدد هفت میلیون نوجوان خارج از چرخه آموزشی سخن به میان می آورند که وزارت آموزش و پرورش از انتشار آمار دقیق شمار دانش آموزان خودداری کرده و داده های مسئولین با یکدیگر گاه تناقض داشته و گاه بسیار متفاوت است.

در افغانستان شش میلیون کودک مشغول انجام کارهای سخت و زیان آور می باشند. در هند کمیسیون ملی حمایت از حقوق کودکان تعداد کودکانی را که به علت فقر از تحصیل جا مانده و به عنوان نیروی کار ارزان به بازار کار پرتاب می شوند ۱۳ میلیون نفر تخمین زده است. در ایران با توجه به افزایش سطح مالی خط فقر و اختلاف فاحش آن با حداقل دستمزد رسمی ارائه شده از سوی وزارت کار، ورود کودکان طبقات و اقشار تهی دست به بازار کار شتابی خطرناک یافته است. هم چنین بر اثر هدفمندسازی یارانه ها و سخت تر شدن شرایط تولید روز به روز اشتیاق کارفرمایان برای به خدمت گرفتن کودکان بیشتر می شود و قانون ممنوعیت کار افراد زیر پانزده سال (در ایران سن کودکی زیر پانزده سال است) با جدیت اجراء نمی شود.

قوانین مهاجرتی کودکان خانواده های مهاجر را هم سطح مجرمین می‌شناسد و این حرکتی ضدانسانی است؛ طبق مصوبه کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک:

"تحصیل برای همه کودکان از هر ملیت، قومیت، مذهب، جنسیت و ... اجباری است همچنین وقتی که کودکان اعم از مهاجر و غیر مهاجر هم‌زبان‌اند، نباید آن‌ها را از هم جدا کرد زیرا باعث انزوای بیشتر آن‌ها خواهد شد."

اما کودکان مهاجر افغان، به علت مشکلات معیشتی عمدتاً از تحصیل در مدارس دولتی باز می‌مانند به طور مثال چون از پرداخت حق ثبت نام حداقلی مصوبه آموزش پرورش که در مقطع ابتدایی ۵۰ هزار تومان و راهنمایی و دبیرستان ۷۰ هزار تومان می‌باشد، عاجزاند. این خود منجر به تصمیم‌گیری خانواده های این کودکان مبنی بر وارد شدن آنها به بازار کار می‌شود.

شرایط بهداشتی اسفناک کودکان کار در ایران، افغانستان، چین، زیمبابوه، مکزیک و امریکا همه از یک جنس هستند. بلوغ زود هنگام روحی و جسمی که شرایط ساخت فضای کاری بر آنان تحمیل می‌کند، قابل جبران نیست؛ معضل بهره‌کشی جنسی و پدیده کودکان روسپی نیز یکی از ابعاد بزرگ فاجعه علیه کودک است. در کشورهای پیرامونی در این نظم جهانی نظیر بعضی کشورهای افریقایی و آسیایی با پدیده دیگری به نام سرباز کودک هم مواجه می‌شویم که در راستای جنگ‌ها و برخوردهای نظامی-فرسایشی حتی کودک را در بعضی مواقع به صورت برده نظامی و یا مزدور نظامی اسیر خود نموده است. آن چیزی که ما امروز به نام بزه‌کاری نوجوانان و جوانان با آن مواجهیم، گوشه‌ای از درد کودک کار دیروز است. چرا که کارفرما حاضر به پرداخت حقوق وی به عنوان یک فرد بزرگسال نیست و استخدام کودکان دیگر را ترجیح می‌دهد و انسانی که در کودکی بدون کسب هیچ مهارت درآمدزا مشغول کار بوده است ناچار به این سوگشانده می‌شود. درد کودکی که در سودان ناخواسته به سرباز تبدیل شده با درد کودکی که در چین کارگر روزمزد شده است، بی‌هیچ تردیدی دردی است مشترک.

امروزه کم‌تر کسی هست که به اثرات منفی کار کودکان واقف نباشد. در واقع همان خانواده‌هایی که کودکانشان وارد چرخه کار می‌شوند، خود بیش از بعضی فعالان - که راه حل مسأله کار کودک را در بسترهای فرهنگی می‌بینند- به تأثیرات منفی کار کودکان آگاهند. ما معتقدیم مبارزه برای لغو کار کودکان بدون شناخت بسترهای تشکیل دهنده ضرورت وجود آن در جامعه امکان‌پذیر نیست. این مناسبات اقتصادی مبتنی بر رقابت‌های تولیدی هاست که در واقع رقابت برای پائین آوردن هزینه‌های تولید به حداقل را به اصلی‌ترین ضرورت برای بقای یک واحد تولیدی تبدیل می‌کند. کودکان و زنان و مهاجران به دلایل حقوقی و فرهنگی کمتر قادر به پی‌گیری مطالبات خود هستند و بیش از دیگران به عنوان نیروی کار ارزان استثمار و قربانی این رقابت بی‌رحمانه می‌شوند.

وظیفه نه تنها فعالان حقوق کودکان، بلکه همه انسان‌ها در این مقطع بحرانی، تلاش برای هدف قرار دادن و فشار آوردن به این مناسبات بی‌رحمانه است. زیر فشار قرار دادن ارگان‌های مسؤول و هوشدار تبعات اعمال کودک‌ستیز به مسؤولین و کسب دست‌آوردهای حقوقی برای کودکان از یک سو و پیگیری و اجرای این دستاوردها از طریق حساس کردن بخش‌های مختلف جامعه از سوی دیگر می‌تواند ضامن ادامه حرکت در راستای لغو کار کودکان باشد. این خواست‌ها تنها قدمی کوتاه برای از میان بردن استثمار و تبعیض علیه کودکان است.

جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان

۱۲ جون ۲۰۱۲ (۲۳ جوزا ۱۳۹۱)